

فهرست مطالب

۱۱مقدمه مولف
۱۹	_____ مقدمه قانونی اساسی
۲۲	_____ طلّیعهٔ نهضت
۲۴	_____ حکومت اسلامی
۲۵	_____ خشم ملّت
۲۶	_____ بهایی که ملّت پرداخت
۲۷	_____ شیوهٔ حکومت در اسلام
۲۸	_____ ولایت فقیه عادل
۲۹	_____ «اقتصاد» وسیله است نه هدف
۳۰	_____ «زن» در قانون اساسی
۳۱	_____ ارتش مکتبی
۳۲	_____ «قضاء» در قانون اساسی
۳۲	_____ قوهٔ مجریّه
۳۳	_____ وسایل ارتباط جمعی
۳۳	_____ نمایندگان

- فصل اول: اصول کلی _____ ۳۵
- فصل دوم: زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور _____ ۱۴۹
- فصل سوم: حقوق ملت _____ ۱۵۷
- فصل چهارم: اقتصاد و امور مالی _____ ۳۵۵
- فصل پنجم: «حق حاکمیت ملت» و «قوای ناشی از آن» _____ ۴۷۱
- فصل ششم: قوه مقننه _____ ۵۱۱
- مبحث اول - مجلس شورای اسلامی _____ ۵۱۲
- مبحث دوم - اختیارات و صلاحیت مجلس شورای اسلامی _____ ۵۲۷
- فصل هفتم: شوراها _____ ۶۸۵
- فصل هشتم: رهبر یا شورای رهبری _____ ۶۹۵
- فصل نهم: قوه مجریه _____ ۷۷۱
- مبحث اول - ریاست جمهوری و وزراء _____ ۷۷۲
- مبحث دوم - «ارتش» و «سپاه پاسداران انقلاب» _____ ۸۸۴
- فصل دهم: سیاست خارجی _____ ۸۹۱
- فصل یازدهم: قوه قضائیه ۹۱۱
- فصل دوازدهم: صدا و سیما ۱۰۸۳
- فصل سیزدهم: شورای عالی امنیت ملی ۱۰۸۷
- فصل چهاردهم: بازنگری در قانون اساسی ۱۰۹۵
- فهرست تفصیلی مطالب ۱۱۰۳
- فهرست منابع و مآخذ ۱۱۱۵

مقدمه

قانون اساسی



«قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» مبیین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد.

ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می‌یافت، این خواست اساسی را مشخص کرده و اکنون در طلیعه این پیروزی بزرگ، ملت ما با تمام وجود، نیل به آن را می‌طلبد.

ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر، «مکتبی» و «اسلامی» بودن آن است.

ملت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضد استبدادی مشروطه و نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت، به این تجربه گران بار دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضت‌ها، مکتبی نبودن مبارزات بوده است.

گرچه در نهضت‌های اخیر، خط فکری اسلامی و رهبری روحانیت مبارز، سهم اصلی و اساسی را بر عهده داشت، ولی به دلیل دور شدن این مبارزات از مواضع اصیل اسلامی، جنبش‌ها به سرعت به رکود کشانده شد. از اینجا، وجدان بیدار ملت به رهبری مرجع عالیقدر تقلید حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی، ضرورت پیگیری خط نهضت اصیل مکتبی و اسلامی را دریافت و این بار، روحانیت مبارز کشور که همواره در صف مقدم نهضت‌های مردمی بوده و نویسندگان و روشنفکران متعهد با رهبری ایشان تحرک نوینی یافت. (آغاز نهضت اخیر ملت ایران در سال ۱۳۸۲ هجری قمری برابر با ۱۳۴۱ هجری شمسی می‌باشد)

- ۱- برخی از دانشمندان حقوقی معتقدند: «مقدمه ق. ارزش حقوقی ندارد، اما زمینه‌ساز اصول آن است.» (هاشمی، سید محمد، اصول و مبانی کلی نظام ج.ا.ا، چ ۱۲، ص ۶۰) و این در حالی است که از نقطه نظر اصول، قواعد و موازین حاکم بر کیفیت و چگونگی تفسیر قوانین، هر چند مقدمه به‌طور معمول متضمن قاعده حقوقی دارای ضمانت اجراء نیست، اما باید دانست، «مقدمه»

از عبارت «اقتصاد و امور مالی» استفاده نموده است.

۳- با عنایت به اصل ۱۵۴ و بند ۱۶ اصل سوم ق.ا در مقام بیان «ضرورت تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان و با اِعمال علمی و عملی حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان ملت‌های دیگر»، ق.ا.ج.ا.ا برخلاف متن، که قانون مزبور را محدود به جامعه ایران نموده است، صرف نظر از دشواری عمل، باید گفت نظام جمهوری اسلامی ایران خود را محدود به مرزهای سرزمینی نمی‌داند و با اثرپذیری از تفکر اسلامی، قائل به وجود تأسیسی اجتماعی تحت عنوان «امت اسلامی» می‌باشد.

۴- با عنایت به این که ق.ا به‌طور صریح و مستقیم (بلاواسطه) در اصول ۶۷، ۲۶، ۱۳، به تکریم و پاسداشت حقوق اقلیت‌های مذهبی شناخته‌شده در خود پرداخته، باید بگوئیم قانونگذار در نگارش متن، با به‌کارگیری عبارت «بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد» دقت نظر بیشتری لحاظ می‌کرد تا در آن رابطه، متن به گونه‌ای نگارش می‌گردید که عبارت عام‌تر باشد و شبهه تخصیص

اصولاً از «ذیل» خود، پیروی نمی‌کند و در هنگام اجرای فرآیند تفسیر برای نیل به تأویل، «مقدمه» بر مواد یا اصول قانونی بعد از خود حاکم است و خط‌مشی لازم را برای تابعان قانون، معین می‌کند. (برای نمونه، ر.ک به: اصل ۱۴۵)

■ ۲- با این که ق.ا.ج.ا.ا مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس «اصول و ضوابط اسلامی» است (دبیاچه ق.ا) اما از طرف دیگر، اندیشه‌های دموکراتیک غربی نیز در آن راه یافته و نظم خاصی را به وجود آورده است. علاوه بر آن، در این قانون، برخی از اصول برخاسته از توقعات انقلابی هم مشاهده می‌شود. (هاشمی، سید محمد، اصول و مبانی کلی نظام ج.ا.ا، چ ۱۲، ص ۶۱)

■ ۳- بند نخست مقدمه ق.ا بنا بر دلایل ذیل، نمی‌تواند جامع و مانع تلقی گردد:

۱- فقط از «نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی» نام برده، درحالی‌که ق.ا مبین نهادهای دیگری همچون نهادهای قضایی، مدنی، نظامی، رسانه‌ای و امنیتی نیز می‌باشد.

۲- عبارت «اقتصادی» بدون به‌کارگیری توأمان عبارت «مالی» بند نخست را با نقص مواجه نموده است. مؤید این ایراد، عنوان فصل چهارم ق.ا است که قانونگذار

باید تضمینی داده شود که وضع خاص هر گروه در جامعه محفوظ بماند و به رسمیت شناخته شود.

۳- در کشورهایی که قلمروی وسیعی دارند، مردمی که در نواحی و مناطق دوردست آن سکونت دارند، ممکن است منافع و احتیاجات خاصی داشته، معتقد باشند که حکومت مرکزی با فاصله زیادی که از آنها دارد، نمی‌تواند حوائج آنها را دریابد یا در تامین آنها توفیق حاصل کند؛ لذا در چنین مواردی، به احتمال قوی، حکومت متحده‌ای به‌وجود خواهد آمد که اقتدارات حکومت بین دولت متحد و دول عضو تقسیم، و مراتب در ق.ا پیش‌بینی می‌شود. (بوشهری، جعفر، اصول و قواعد حقوق اساسی، چ ۲، صص ۳۸-۳۷)

ملت ایران که نوعی تبعیض قلمی است به ذهن خطور نکند.

■ ۴- دلایل ضرورت تهیه و تدوین ق.ا در کشورهای جهان از قرار ذیل است:

۱- در مواردی که کشور زندگانی سیاسی جدید را شروع می‌کند، می‌خواهد روابط خود را با دستگاه‌های حاکمه به نحو منجزی مشخص کند. چنان که هند و پاکستان و سیلان پس از جنگ جهانی دوم و به مجرد کسب استقلال، به تدوین ق.ا مبادرت ورزیدند.

۲- کشوری ممکن است به گروه‌ها و فرقه‌های مختلف و متفاوت به لحاظ نژاد و مذهب و زبان منقسم شده باشد؛ در این صورت به‌منظور متحد ساختن دسته‌های مزبور و تشکیل جامعه‌ای واحد

طلیعهٔ نهضت

اعتراض در هم کوبندهٔ امام خمینی به توطئه آمریکایی «انقلاب سفید» که گامی در جهت تثبیت پایه‌های حکومت استبداد و تحکیم وابستگی‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران به امپریالیزم جهانی بود، عامل حرکت یکپارچه ملت گشت و متعاقب آن، انقلاب عظیم و خون‌بار امت اسلامی در خردادماه ۱۳۴۲ که در حقیقت، نقطهٔ آغاز شکوفایی این قیام شکوهمند و گسترده بود، مرکزیت «امام» را به‌عنوان رهبری اسلامی تثبیت و مستحکم نمود و علی‌رغم تبعید ایشان از ایران در پی اعتراض به قانون ننگین کاپیتولاسیون (مصونیت مستشاران آمریکایی)، پیوند مستحکم امت با امام همچنان استمرار

یافت و ملت مسلمان و به‌ویژه روشنفکران متعهد و روحانیت مبارز راه خود را در میان تبعید و زندان، شکنجه و اعدام ادامه دادند. در این میان، قشر آگاه و مسؤول جامعه در سنگر مسجد، حوزه‌های علمیه و دانشگاه، به روشنگری پرداخت و با الهام از مکتب انقلابی و پربار اسلام، تلاش پیگیر و ثمربخشی را در بالا بردن سطح آگاهی و هوشیاری مبارزاتی و مکتبی ملت مسلمان آغاز کرد.

رژیم استبداد که سرکوبی نهضت اسلامی را با حمله دژخیمانه به فیضیه و دانشگاه و همه کانون‌های پُرخروش انقلاب آغاز نموده بود، به مذبح‌خانه‌ترین اقدامات ددمنشانه جهت رهایی از خشم انقلابی مردم، دست زد و در این میان، جوخه‌های اعدام، شکنجه‌های قرون وسطایی و زندان‌های درازمدت، بهایی بود که ملت مسلمان ما به نشانه عزم راسخ خود به ادامه مبارزه می‌پرداخت.

خون صدها زن و مرد جوان و با ایمان که سحرگاهان در میدان‌های تیر، فریاد «الله اکبر» سر می‌دادند یا در میان کوچه و بازار، هدف گلوله‌های دشمن قرار می‌گرفتند، انقلاب اسلامی ایران را تداوم بخشید؛ بیانه‌ها و پیام‌های پی‌درپی امام به مناسبت‌های مختلف، آگاهی و عزم امت اسلامی را عمق و گسترش هر چه فزون‌تر داد.

- ۵- مقررات اصلاحات ارضی به‌طور افراطی و گسترده در کشور ما اجراء گردید و بابت اراضی مزبور، بهای عادلانه به اشخاص پرداخت نگردید. با مطالعه تاریخی اوضاع بدو پیروزی انقلاب اسلامی، در می‌یابیم که خیلی‌ها بر این باور بودند که رژیم جدید در راستای احترام به حقوق اشخاص، تفاوت وجه پرداختی به اشخاص در تأمین قیمت عادلانه املاک با بهای واقعی را به مالکان از
- باب «انتقال مسؤولیت‌های قانونی» و «من له الغنم فعلیه الغرم» پرداخت کند تا عدالت، اجراء شود. تقنین در این رابطه، ضروری است.
- ۶- ماده واحده لایحه قانونی لغو اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیتها و معافیت‌های قرارداد وین مصوب ۱۳۵۸/۰۲/۲۳ شورای انقلاب: قانون مصوب ۲۱ مهرماه ۱۳۴۳ راجع به اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در

از مصونیتها و معافیت‌های قرارداد وین
مصوب ۱۳۴۳/۰۷/۲۱.

ایران از مصونیتها و معافیت‌های قرارداد
وین، لغو می‌شود.

■ ۷- ر.ک به: ماده واحده قانون اجازه
استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران

حکومت اسلامی

طرح حکومت اسلامی بر پایه «ولایت فقیه» که در اوج خفقان و
اختناق رژیم استبدادی از سوی امام خمینی ارائه شد، انگیزه مشخص و
منسجم نوینی را در مردم مسلمان ایجاد نمود و راه اصیل مبارزه
مکتبی اسلام را گشود که تلاش مبارزان مسلمان و متعهد را در داخل و
خارج کشور فشرده‌تر ساخت.

در چنین خطی، نهضت ادامه یافت تا سرانجام نارضایی‌ها و شدت خشم
مردم بر اثر فشار و اختناق روزافزون در داخل و افساگری و انعکاس
مبارزه به‌وسیله روحانیت و دانشجویان مبارز در سطح جهانی،
بنیان‌های حاکمیت رژیم را به شدت متزلزل کرد و به ناچار، رژیم و
اربابانش، مجبور به کاستن از فشار و اختناق و به اصطلاح «باز کردن
فضای سیاسی کشور» شدند تا به گمان خویش، دریچه اطمینانی
به منظور پیش‌گیری از سقوط حتمی خود بگشایند، اما ملت برآشفته و
آگاه و مصمم به رهبری قاطع و خلل‌ناپذیر امام، قیام پیروزمند و
یکبارچه خود را به‌طور گسترده و سراسری آغاز نمود.

■ ۹- استفاده از این‌گونه الفاظ [=
حکومت اسلامی] توسط فقیهانی که در
نوشتن کتب فقهی لزوماً به مرزهای
کشور خاصی توجه ندارند، قابل توجیه
ولی برای قانونگذار که برای کشور خاصی
قانون می‌نویسد، توجیه‌ناپذیر است؛
بنابراین قانونگذار باید، به‌جای لفظ

■ ۸- در اسلام، حکومت مطلق از آن
خداست، ولی حاکمیت مردم بر سر نوشت
خود و در چهارچوب قواعد شرعی از نظر
اسلامی نیز پذیرفته شده است و تجاوز به
آن نوعی استکبار به شمار می‌آید.
(کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، چ
۳، ش ۱۱۸، ص ۲۱۸)

می‌شود که خطوط قرمز و نهایی را در هم شکسته و با ستیزه‌جویی مسلحانه، برای تغییر نظام حاکم اسلامی و یا حکام آن، با فرمان‌نابرداری از قوانین مملکتی، پا را از حدّ خود و جرائم عمومی فراتر گذاشته و یک جرم در زمره صلاحیتهای دادگاه انقلاب به کیفیت فوق مرتکب شده است. البته اصل تأسیس دادگاههای انقلاب را باید معیار ق.ا دانست و می‌بایستی شعبات آن به‌موجب یک قانون، به‌صورت عمومی درآیند.

«حکومت اسلامی»، از اصطلاح «نظام جمهوری اسلامی ایران» استفاده می‌کرد، همان‌گونه که در مادّتين ۸ و ۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلّح مصوب سال ۱۳۷۱ و ماده ۱۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلّح مصوب سال ۱۳۸۲ چنین کرده است. (میرمحمدصادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چ ۵، ص ۵۵)

■ ۱۰- در فقه از قیام مسلحانه تحت عنوان «بغی» یاد نموده‌اند و فاعل این رفتار مجرمانه (باغی) به فردی اطلاق

خشم ملت

انتشار نامه توهین‌آمیزی به ساحت مقدس روحانیت و به‌ویژه امام خمینی در ۱۷ دی ۱۳۵۶ از طرف رژیم حاکم، این حرکت را سریع‌تر نمود و باعث انفجار خشم مردم در سراسر کشور شد و رژیم برای مهار کردن آتش‌فشان خشم مردم کوشید این قیام معترضان را با به خاک و خون کشیدن، خاموش کند اما این، خود، خون بیشتری در رگ‌های انقلاب جاری ساخت و تپش‌های پی‌درپی انقلاب در هفتم‌ها و چهلم‌های یادبود شهدای انقلاب، حیات و گرمی و جوشش یکپارچه و هر چه فزون‌تری به این نهضت در سراسر کشور بخشید و در ادامه و استمرار حرکت مردم، تمامی سازمان‌های کشور با اعتصاب یکپارچه خود و شرکت در تظاهرات خیابانی در سقوط رژیم استبدادی مشارکت فعالانه جستند؛ همبستگی گستردهٔ مردان و زنان از همه اقشار و جناح‌های مذهبی و سیاسی در این مبارزه به طرز چشم‌گیری تعیین‌کننده بود و مخصوصاً زنان به شکل بارزی در تمامی صحنه‌های این جهاد بزرگ حضور فعال و گسترده‌ای داشتند، صحنه‌هایی از آن

نوع که مادری را با کودکی در آغوش، شتابان به سوی میدان نبرد و لوله‌های مسلسل نشان می‌داد، بیانگر سهم عمده و تعیین‌کننده این قشر بزرگ جامعه در مبارزه بود.

بهایی که ملت پرداخت

نهال انقلاب پس از یک سال و اندی مبارزه مستمر و پیگیر با باروری از خون بیش از ۶۰ هزار شهید و صدهزار زخمی و معلول و با بر جای نهادن میلیاردها تومان خسارت مالی در میان فریادهای «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» به ثمر نشست و این نهضت عظیم که با تکیه بر ایمان و وحدت و قاطعیت رهبری در مراحل حساس و هیجان‌آمیز نهضت و نیز فداکاری ملت به پیروزی رسید، موفق به در هم کوبیدن تمام محاسبات و مناسبات و نهادهای امپریالیستی گردید که در نوع خود، سرفصل جدیدی بر انقلابات گسترده مردمی در جهان شد.

۲۱ و ۲۲ بهمن سال یکهزار و سیصد و پنجاه و هفت، روزهای فرو ریختن بنیاد شاهنشاهی شد و استبداد داخلی و سلطه خارجی متکی بر آن را در هم شکست و با این پیروزی بزرگ طلیعه حکومت اسلامی که خواست دیرینه مردم مسلمان است، نوید پیروزی نهایی را داد.

ملت ایران به‌طور یکپارچه و با شرکت مراجع تقلید و علمای اسلام و مقام رهبری در همه‌پرسی جمهوری اسلامی تصمیم نهایی و قاطع خود را بر ایجاد نظام نوین جمهوری اسلامی اعلام کرد و با اکثریت ۹۸/۲٪ به نظام جمهوری اسلامی رأی مثبت داد.

اکنون «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» به‌عنوان بیانگر نهادها و مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه باید راهگشای تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی و ارائه‌دهنده طرح نوین نظام حکومتی بر ویرانه‌های نظام طاغوتی قبلی گردد.



شیوه حکومت در اسلام

حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست؛ بلکه تبلور آرمان سیاسی ملت‌ی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحوّل فکری و عقیدتی، راه خود را به‌سوی هدف نهایی (حرکت به‌سوی الله) بگشاید. ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود، از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آمیزه‌های فکری بیگانه، خود را پاک نمود و به مواضع فکری و جهان‌بینی اصیل اسلامی بازگشت، اکنون بر آن است که با موازین اسلامی جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند. بر چنین پایه‌ای، رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به‌وجود آورد که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابد.

قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل «امت واحد جهانی» را هموار کند. (إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.

با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی تضمین‌گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی، و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند. (وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ) در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است بر اساس تلقی مکتبی، صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت



می‌گردند. (أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) و قانونگذاری که مبیین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است، بر مدار «قرآن» و «سنت» جریان می‌یابد؛ بنابراین نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام‌شناسان معادل و پرهیزگار و متعهد (فقای عادل) امری محتوم و ضروری است و چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خودگونگی انسان فراهم آید (تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ) و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد.

با توجه به این جهت، قانون اساسی زمینه‌چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خود دست‌اندرکار و مسؤول رشد و ارتقاء و رهبری گردد که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود. (وَ تَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)

■ ۱۱- در اسلام، حکومت مطلق از آن خداست، ولی حاکمیت مردم بر سرنوشت خود و در چهارچوب قواعد شرعی از نظر اسلامی نیز پذیرفته شده است و تجاوز به

آن، نوعی استکبار به شمار می‌آید. (کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، ج ۳، ش ۱۱۸، ص ۲۱۸)

ولایت فقیه عادل

بر اساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع‌الشرایطی را که از طرف مردم به عنوان «رهبر» شناخته می‌شود (مَجَارِي الْأُمُورِ وَ الْأَحْكَامِ عَلَى أَيْدِي الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ الْأَمْنَاءِ عَلَى حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ) آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشند.

۱۲- در مورد مفهوم «ولایت فقیه»، در فقه امامیه اتفاق نظر وجود ندارد. همه آن را در زمان غیبت امام پذیرفته‌اند، ولی در این که تا چه اندازه آزادی اشخاص و حاکمیت نسبی آنان را در امور سیاسی و اجتماعی از بین می‌برد، اختلاف است. (کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، چ ۳، ش ۱۲۴، ص ۲۲۵)

«اقتصاد» وسیله است نه هدف

در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی، تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی؛ زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود ولی در اسلام، اقتصاد وسیله است و از وسیله، انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت. با این دیدگاه، برنامه اقتصاد اسلامی «فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی» است و بدین جهت، تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او، بر عهده حکومت اسلامی است.

۱۳- این بخش از مقدمه ق.ا.ج.ا را با ادبیات حقوقی و منطقی بدان می‌توان چنین تشریح نمود که اقتصاد، طریقت (و نه موضوعیت) دارد. با این وجود، باید در نظر داشت که اگر اقتصادی، پویا و قدرتمند نباشد، بازچه همان مکاتب مادی خواهد شد؛ بنابراین، تعهد حاکمان به مردمان و بالعکس، باید اعتلای بخش‌های اقتصادی مملکت و حرکت شتابنده به سمت استقلال اقتصادی توأم با توسعه مراودات تجاری و اقتصادی باشد.

اگر اقتصادی با استفاده از حیل‌های شرعی و قانونی و استفاده از الفاظ و عبارات پرطمراق برای دور زدن شرع مقدس باشد اما بخش قابل توجهی از همان اقتصاد، ماهیتاً بر مبنای بانکداری ربوی باشد، اعضای سابق شورای نگهبان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی باید پاسخ دهند چرا برخی قوانین موضوعه ما، دقیقاً متضمن ربا است؟ در اینجاست که باید دقیقاً گفت، اقتصاد، وسیله‌ای برای طمع بانکداران به مردمان شده است.



خصوصی‌سازی‌ها در چنین اقتصادی، بر مبنای واگذاری به شبه‌دولتی‌ها (خصوصی‌ها) است و بخش خصوصی نیز تا چنین رویکردهایی وجود داشته باشد، جوانه نخواهد زد.

«زن» در قانون اساسی

در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه‌جانبه خارجی بودند، هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی، طبیعی است که زنان به دلیل سهم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند، استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود.

«خانواده»، واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشدیابنده انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود، از وظایف حکومت اسلامی است.

زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت «شیء» بودن و یا «بزارِ کار» بودن در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پُراج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیشاهنگ و خود، هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه، پذیرای مسؤولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی، برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.

■ ۱۵- ر.ک به: منشور حقوق و مسؤولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب جلسه ۵۴۶- ۱۳۸۳/۰۶/۳۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

■ ۱۴- این بخش از مقدمه ق.ا.ج.ا. بدان معنا نیست که زن، باید با اعمال یک سری تبعیض‌ها و محدودیت‌ها، محروم از ورود به مشاغل و حرفه‌های قانونی گردد با این بهانه که: «زن، محکوم به ایفای نقش مادری است!»

ارتش مکتبی

در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور، توجه بر آن است که ایمان و مکتب، اساس و ضابطه باشد؛ بدین جهت، ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در انطباق با هدف فوق شکل داده می‌شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها، بلکه با رسالت مکتبی - یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان - را نیز عهده‌دار خواهند بود. (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ)

<http://www.daneshnameh.roshd.ir/mavara-index.php>

■ ۱۷- دلیل این که عنوان این بخش از مقدمه ق.ا.ج.ا.ا، «ارتش مکتبی» است و اگر بر این باور بودند، چرا از عنوان کامل «سپاه پاسداران و ارتش مکتبی» استفاده ننموده‌اند، معلوم نیست! شاید در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن، اگر فرض مسامحه در کلام، رد باشد، بتوانیم بگوییم مکتبی بودن سپاه پاسداران را مفروض و مسلم دانسته‌اند.

■ ۱۶- «مکتب» یک تئوری کلی و یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی آن، کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسؤولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص است و منبع الهام تکلیف‌ها و مسؤولیت‌ها برای همه افراد می‌باشد. (مطهری، مرتضی، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، صص ۵۴-۴۶. به نقل از: دانشنامه رشد، ذیل «مکتب»)

«قضاء» در قانون اساسی

مسأله «قضاء» در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی، امری است حیاتی، از این رو، ایجاد سیستم قضایی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش‌بینی شده است؛ این نظام، به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن، لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد. (إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ)

بنابراین، صرفاً داشتن تعهد دینی کافی نیست؛ زیرا انسان متعهد، باید ضعف‌های علمی خود را نیز که نوعی تهدید برای آنان (پیگرد انتظامی) و تضییع حقوق اصحاب دعوا محسوب می‌شود، با مطالعه و آموزش و حتی پژوهش، مرتفع کند.

■ ۱۹- یکی از قوانین مهمی که برای مجازات و مبارزه با روابط و مناسبات ناسالم، به تصویب رسیده و بحمدلله همچنان معتبر است، «قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۱۳۱۵/۰۹/۲۹» می‌باشد.

■ ۱۸- ضرورت دارد قضات، علاوه بر آشنایی کامل با ضوابط دقیق دین مبین، از نظر علمی نیز مجهز به دانش حقوقی باشند؛ این مسأله به‌ویژه در رابطه با بعضی از آن بخش از قضات دادگستری که دانش آموخته رشته حقوق در معنای خاص کلمه نیستند، گاه، بیشتر درک می‌شود چراکه به‌ویژه به واسطه عدم تجربه تحصیلات آکادمیک در علم حقوق، در آیین دادرسی، دارای ضعف‌هایی هستند که باید از طریق آموزش مداوم و برگزاری دوره‌های فشرده ضمن خدمت قضات، مرتفع نمایند؛

قوه مجریه

«قوه مجریه» به دلیل اهمیت ویژه‌ای که در رابطه با اجرای احکام و مقررات اسلامی به‌منظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه دارد و همچنین ضرورتی که این مسأله حیاتی در زمینه‌سازی

وصول به هدف نهایی حیات خواهد داشت، بایستی راهگشای ایجاد جامعه اسلامی باشد. نتیجتاً، محصور شدن در هر نوع نظام دست‌وپاگیر پیچیده که وصول به این هدف را کند و یا خدشه‌دار کند، از دیدگاه اسلامی نفی خواهد شد؛ بدین جهت، نظام بوروکراسی که زائیده و حاصل حاکمیت‌های طاغوتی است، به شدت طرد خواهد شد تا نظام اجرایی با کارایی بیشتر و سرعت افزون‌تر در اجرای تعهدات اداری به وجود آید.

وسایل ارتباط جمعی

وسایل ارتباط جمعی (رادیو و تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند. پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت ابناء بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشاید بر عهده همگان است و لازم است که امت مسلمان با انتخاب مسؤولین کاردان و مؤمن و نظارت مستمر بر کار آنان به‌طور فعالانه در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند؛ به امید اینکه در بنای جامعه نمونه اسلامی (اسوه) که بتواند الگو و شهیدی بر همگی مردم جهان باشد، موفق گردد. (وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ)

نمایندگان

«مجلس خبرگان» متشکل از نمایندگان مردم، کار تدوین قانون اساسی را بر اساس بررسی پیش‌نویس پیشنهادی دولت و کلیه پیشنهادهایی که از گروه‌های مختلف مردم رسیده بود، در ۱۲ فصل که مشتمل بر یکصد و هفتاد و پنج اصل می‌باشد، در طلیعه پانزدهمین قرن

هجرت پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، بنیانگذار مکتب
 رهایی بخش اسلام با اهداف و انگیزه‌های مشروح فوق به پایان رساند،
 به این امید که این قرن، قرن حکومت جهانی مستضعفین و شکست
 تمامی مستکبرین گردد.

- ۲۰- در بازنگری ق. در سال ۱۳۶۸،
 ق. ۱ مشتمل بر ۱۴ فصل و ۱۷۷ اصل
 گردید؛ بنابراین آخرین قسمت از مقدمه
 ق. ۱ که راجع به «نمایندگان» است و در
 آن از عبارت «۱۲ فصل که مشتمل بر
 ۱۷۵ اصل می‌باشد» استفاده شده، واجد
 ایراد از حیث عدم اصلاح است.
- ۲۱- ر.ک به: لایحه قانون انتخابات
 مجلس بررسی نهایی ق. ا. ج. ۱. ا. مصوب
 ۱۳۵۸/۰۴/۰۷.
- ۲۲- ر.ک به: لایحه قانونی اداره امور
 جلسات و نظامنامه داخلی مجلس بررسی
 نهایی ق. ۱. ا. مصوب ۱۳۵۸/۰۶/۰۸.

فصل اول:
اصول فکر

